

خاطره های خبری

## این اخبار و مطالب را باین صورت در هیچ کجا نخواهید خواند



به هیئت فعلی در آورده اند .  
اعتماد السلطنه مینویسد : « . . . .  
همینکه از دیوانخانه بزرگ بدربار اعظم  
آمدند و از دربار اعظم از در معروف به سلام  
که در طرف قصر زمستانی است وارد عمارت  
مبارکه مزبور شدند يك دریاچه مشاهده  
می نمایند که علی الدوام چهار سنگ آب

سلام نوروزی در کاخ گلستان  
کاخ گلستان که محل برگزاری  
سلامهای رسمی است در ضلع جنوب شرقی  
میدان ارك واقع شده است . بنیاد ارك  
سلطنتی به دوران سلاطین صفویه نهاده شده  
و بمهد کریمخان زند بناهایی بر آن افزوده  
اند و در عهد ناصری آنرا تکمیل نموده و

به سالن درمی‌آید و با صدای بلند اعلام می‌دارد: «علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و در صورتیکه شهبانوی نیز در معیت اعلیحضرت تشریف بیاورند بعد از نام شاهنشاه می‌گوید: «علیحضرت فرح شهبانوی ایران، در این موقع حاضران در تالار سلام سرها را به ادای احترام خم می‌کنند و شاهنشاه و علیا حضرت در برابر نفر اول که معمولاً در سمت راست مدخل تالار ایستاده است توقف می‌کنند و عرض شادباش میشود و مطالبی نیز مربوط به کار و حرفه شرفیاب شدگان بمرض میرسد آنگاه شاهنشاه بمناسبت حال و مقام سئوالاتی می‌فرمایند و نظراتی ابراز میدارند و سپس از برابر حاضران که در سه طرف تالار صف کشیده اند می‌گذرند و از همان دری که وارد شده اند بازگشت می‌نمایند.

### سلام نوروزی ۴۲ سال پیش

دیروز نوروز سلطانی بود. بنا به دعوت اعلیحضرت پهلوی علمای درجه اول و وزرا و سفرا و اعیان و اشراف و تجار و رؤسای اصناف و نظام در عمارت گلستان بحضور اعلیحضرت رفتند. چون اول وزرا و بعد چند نفر از هیئت رئیسه و کلا میروند یکی يك دانه دو پهلوی طلا که تازه با سم شاه سکه زده اند و صورت شاه هم در يك زوی آن هست با يك سکه حضرت رضا علیه السلام به وزرا و کلا مرحمت فرمودند. به درباریان و صاحب منصبان بزرگ هم لطف فرمودند ولی بسایرین عیدی داده نشد،

از وسط آن فوران دارد. از پهلوی دریاچه که گذشتند در طرف شمال مجاذی همین دریاچه يك در بسیار عالی از فلز هست که از این در بواسطه پله های مرمر عریض ... صعود نموده به سطحه میرسند. ... از این سطحه بواسطه دو پله بسیار مزین دیگر بزیر يك طاق بسیار بلند عریضی ورود می‌نمایند در طرف جنوب این طاق تالار گلستان است که تخت طاووس معروف در آن گذاشته شده ...

\*\*\*

سلام نوروزی همه ساله در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در تالار سلام کاخ گلستان برگزار میشود و صد هاتن از طبقات مختلف مملکت، از جمله روحانیون، سفرای کبار وزرا، سناتورها، نمایندگان مجلس شورای ملی، امرای ارتش، روزنامه نگاران، ارباب صنایع، دانشگاهیان، سران اصناف و انجمن شهر و انجمنهای محلی و ... شرفیابی حاصل میکنند.

معمول چنان است که علما با مداد پگاه شرفیاب میشوند و در حضور شاهنشاه می‌نشینند و تبریک عرض میکنند و فرمایشات شاهانه را استماع مینمایند لیکن وزراء و گروههای دیگر در برابر شاهنشاه با نظم خاصی در سالن کاخ گلستان به صف می‌ایستند.

هنگام تشریف فرمائی شاهنشاه به تالار کاخ، رئیس تشریفات سلطنتی پیشاپیش

آقای شیخ گفت خود من از جمع قلیخان سردار اسعد شنیدم که میگفت تا بلوی عضد الملک فقط يك سرفه باقی دارد . زیرا بقدری روحدار نقاشی شده که آدم خیال میکند زنده است....

تابلو های آشتیانی هم که یکی از شاگردان بسیار با استعداد کمال الملک بوده و هم اکنون به ملکیت مجلس درآمده از شاهکارهای هنری است و بد نیست داستان انتقال این تابلوها و خاطره ای را که از آن مرحوم دارم در پایان این مقال نقل کنم .

در سال ۱۳۴۷ علاوه بر نشر مجله ماهیانه وحید تصمیم گرفتم تا مجله ای هفتگی نیز دایر کنم و بر اساس این فکر در صد دیر آدم تا به معرفی هنرمندان بزرگ دوران اخیر ایران نیز پردازم و طبیعی بود که به شرح حال استاد کمال الملک نیازمند بودم .

روزی موضوع را با آقای دکتر بهشت جاودان نقاش با ذوق و هنرمند در میان نهادم و گفتم مایلم شرح حال کمال الملک را بصورتی بدیع در مجله هفتگی وحید چاپ کنم . گفت بهترین شرح حال استاد را آقای اسمعیل آشتیانی (شمله) نوشته که سالهای سال مؤانس کمال الملک بوده و دقایق زندگی او را بخاطر سپرده است .

گفتم وقتی بگیری د تا بخدمت آشتیانی برویم و لذا روزی بدیدن استاد رقتیم و معلوم شد شرح حال مفصلی از کمال الملک نوشته و بیکی از وزرا داده است تا موجبات چاپ

صد نفر بل بیشتر در عمارت بلریان بزم شرفیابی حضور شاه حاضر بودند . مخاطب سلام اعیان غلامحسین خان غفاری صاحب اختیار بود . شاه با بیشتر از اعیان اظهار ملاطفت و مهربانی کرده بامضی دیگر علی قدر مراتبهم فرمایشی فرمودند و هر یک را در خود مقام و مرتبه نوازش شاهانه کردند . سال ۱۳۰۸ شمسی - حاج خسرو خان سردار ظفر بختیاری .

### نمایشگاه نقاشی مجلس و خاطره ای از استاد آشتیانی

نمایشگاه نقاشی سه تن از نقاشان نخبه معاصر ایران عصر روز شنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۵۰ توسط علیاحضرت فرح شهبانوی ایران در مجلس شورای ملی گشوده شد .

در این نمایشگاه تابلوهائی از کمال الملک ، اسمعیل آشتیانی و کاتوزیان بمرض نمایش گذاشته شده بود .

کارهای کاتوزیان نقاش جوان ایران بخش عمده ای از نمایشگاه را به خود اختصاص داده بود لیکن کار او با کار کمال الملک زمین تا آسمان فاصله داشت و معیار خوبی بود از نظر سنجش کارهای این دو نقاش هنرمند . من وقتی برابر تابلو عضد الملک کار استاد کمال الملک رسیدم آقای شیخ شاگرد آن مرحوم نیز حضور داشت . گفتم استاد هنر را به اعلی درجه رسانده است و بادیدن این تابلو هر کس گمان میبرد که عضد الملک نمرده و رو بروی او نشسته است .

همیشه در مجلس ملی بیادگار بماند .

\*\*\*

باری همت‌والای آقای مهندس ریاضی کار خود را کرد و بیست و سه عدد تابلو یا در واقع مجموعه تابلوهای موجود در منزل مرحوم آشتیانی را با پرداخت مبلغی متناسب که برای هزینه معالجات و غیره با استاد دادند به تملک مجلس در آوردند و همانطور که موزه مجلس را از لحاظ کتابها و اسناد خطی بسیار نفیس بصورت نمونه در آورده اند از جهت تابلوهای نقاشی نیز غنی کردند . خداوند بایشان اجر دهد و استاد آشتیانی را هم بیامرزد و مجلس را نیز در نگهداری و حفظ این آثار نفیس وارزنده مدد فرماید .

### ناهار هویدا

امیرعباس هویدا نخست‌وزیر همه‌روزه ناهار را با دوستان خود صرف میکند و غالباً افرادی هم که با ایشان کار دارند و فرصت دیدار آنها را در ساعات اداری پیدا نمیکند به ناهار دعوت می‌نماید و ضمن انجام کار صرف ناهار هم میشود .

در گذشته بیشتر مهمانان نخست‌وزیر را وکلا ، سناتورها و دوستان و مأموران عالی‌رتبه دولت که با هویدا کاری داشتند تشکیل میدادند لیکن چندی است که نویسندگان و شاعران نخبه نیز به مهمانی ناهار هویدا دعوت میشوند و دقایقی چند

آنها فراهم آورند لکن از آن نوشته و تصمیم وزیر بی اطلاع مانده است ضمناً وعده داد که در صورت فراهم آمدن موجبات کار ما را در انجام این نیت خیر یاری دهد .

در ضمن فرصتی پیش آمد تا از تابلوهای استاد که بیش از بیست عدد بود دیدن کنیم .

پس از مرخصی از حضور ایشان بدکتر بهشت جاودان گفتم حیف از این تابلوها که در محیطی محدود و در بسته دور از نظر مرمغی بماند و پیکاش موجباتی فراهم می‌آید تا مجلس این تابلوها را می‌خرید و برای دیدن علاقمندان در موزه بمعرض نمایش می‌گذاشت ...

چندی بعد با تمهید مقدماتی موضوع با مرحوم آشتیانی در میان نهاده شد و معلوم شد ایشان نیز نهایت علاقه را دارند که این تابلوها فقط در کتابخانه مجلس باشد و به این نیت هم تابلوها را واگذار میکنند و وصیت می‌نمایند که برای همیشه در مجلس بماند و در معرض دید عموم گذاشته شود. ضمناً گفته شد که استاد چند سال پیش یکی از تابلوهای بسیار زیبای خود را به يك مرجع رسمی برای گذاشتن در آرامگاهی هدیه کرده و چندی بعد آن تابلو را در منازای دیده بود که بمعرض فروش گذاشته اند استاد از این عمل بسیار دلسرد و ناراحت شده و تصمیم گرفته بود که تابلوهای خود را به موزه مجلس بسپارد و وصیت کند تا برای

خانه‌ها نیز مطالبه پول میکرده‌اند میگوید خبرگزاری پارس تصمیم دارد بابت اخباری که به جراید میدهد مطالبه پول بکند و طبیعی است همانطور که مدیران جراید معتبر خبری، مشترک خبرگزاریهای بزرگ جهان هستند و همه ماهه مبالغ معتناهی باین خبرگزاریها میپردازند باید به خبرگزاری پارس هم که اخبار فراوانی در اختیار جراید میگذارد نیز حق الاشتراکی ولو اندک پردازند .

مدیران آن دو نشریه وقتی خود را با چنان پیشنهاد و چنین وزیری روبرو می‌بینند از ادعای خود منصرف میشوند و گویا برای مدتی که قطعاً کوتاه خواهد بود بابت درج اخبار اساسی وزارتخانه‌ها چیزی مطالبه نمیکنند .

### مخالف مشروطه

یکی از دوستان شوخ طبع میگفت سناتوری از گروه مخالف دولت در سال گذشته بعنوان مخالف مشروط در برنامه دولت هویدا قصد سخنرانی کرد و چون مرسوم است که موافقین و مخالفین اسامی خود را در تابلویی که در سرسرای مجلس نصب است مینویسند لذا سناتور سالخورده محترم نیز نام خود را در ستون مخالف ثبت

نیز در زمینه مسائل فرهنگ و ادب فارسی بحث و گفتگو بعمل می‌آید .

در اواخر سال گذشته در یکی از ناهارهای نخست‌وزیر استاد نصراله فلسفی مورخ شهیر ، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، کاظم پزشکی شاعر باذوق معاصر و دو تن از ارباب جراید ( مدیران نشریات دنیا و وحید ) نیز شرکت داشتند و پزشکی شعری متناسب نیز کرد .

\*\*\*

استاد نصراله فلسفی هم اکنون در اروپا بسر می‌برد و مقدماتی فراهم آمده است تا مقداری از اسناد معتبر و منحصر بفرد مربوط به تاریخ ایران را که در کشورهای مختلف اروپائی است عکسبرداری کند و بایران بفرستد . امید است دانشگاه تهران از همکاری و مساعدت با اسناد دریغ نوزدد .

### پیشنهاد وزیر اطلاعات

حمید رهنما وزیر اطلاعات عمری رادر کار مطبوعات گذرانده و سالها مدیری و سردبیری جراید معتبر کشور را به عهده داشته است و در این کار ورزیدگی خاصی دارد . میگویند روزی به دوتن از مدیران نشریات معتبر خبری تهران که بابت چاپ مناشیر سلطنتی مطالبه بهای پرتاژ و آگهی می‌کنند و برای چاپ اخبار وزارت

و دیدم از سخن حق بیگانه اند و پرت و پلا میگویند و کارها را به رئیس سازمان حواله میدهند که معلوم نیست در کدام گوشه مملکت به استراحت پرداخته است ....

خلاصه با دست خالی و بدون اینکه سخنی صواب شنیده باشم سازمان را ترک گفتم و دم در بدربان گفتم مثل اینکه بقول اصفهانیا ریش سازمان فاضل آب اصفهان هم درآمده است .

گفت چطور ؟

گفتم برای اینکه هر کرا دیدم به هیئت درویشان (نه در طریقتهایشان) برجبین ریشی داشت و بر کلاهش هم پشمی نبود .. گفت آقا بدانید که در این سازمان آدمهای بی ریش هم هست ....

\* این مطلب را یکی از اصفهانیان با ذوق نوشته و اظهار علاقه کرده است که در مجله درج شود و با آنکه نشر این نوع مطالب در خوردنشریه مانع نیست لیکن با احترام دوست نویسنده خود به درج آن مبادرت کردیم. باید بگوئیم که در سازمان آب و فاضل آب اصفهان کارکنان و مهندسان زحمتکش فراوانند و اگر یکی دو تن نابکار ، بکار مردم بی توجه باشند دلیل بر بی نظمی سازمان نیست و امید است آقای دکتر وحیدی وزیر آب و برق و مهندس حجازی رئیس سازمان به وضع این دستگاه سرسامانی به بخشند .

کرد و جلوی نام خود نوشت : « مخالف مشروطه » البته منظور سناتور محترم این بوده است که مخالف مشروط بنویسد لیکن لرزش دست و قلم کلمه مشروط را بمشروطه تبدیل کرده و عبارت را بصورت مخالف مشروطه در آورده است .. المهده علی الراوی.

### ریش و پشم فاضل آب اصفهان!

آقای مدیر : نوشته من انتقاد و ایراد از سازمان آب و فاضلاب اصفهان نیست لیکن خاطره کوچکی است از این سازمان و جادار که در آن نشریه وزین درج شود و چون قصد تظاهر هم ندارم لذا خواهش می کنم از ذکر نام خودداری فرمائید . . . . بعد از تعطیلات نوروزی برای بررسی مشکلاتی که سازمان آب اصفهان برای من و تنی چند از دوستانم فراهم آورده بود به سازمان مراجعه کردم و پس از دقایقی سرگردانی باطابق درآمد که مردی علوی نام باریش و پشمی خرمائی پشت میزی نهشته بود و مردی غیر علوی و کم پشم نیز دز برابر او ایستاده بود .

دیری نپائید که پشم دار دیگری هم درآمد و در گوشه ای از اطاق نشست و معلوم شد که اینان همه کارکنان یا رؤسای دوایر سازمان آب و فاضل آب اصفهانند .

مشکلات خود را با آنان در میان نهادم